

## سرقت خودرو با کلاه خیرخواهی

**صمدی-۳:** سارق باحیله عجیبی دست به سرقت یک خودرو زدند. سارقان بعد از نزدیک شدن به صاحب خودرو که در حال باز کردن در آن بود، با ایجاد سر و صدا و تفتیش دزدان دزد، در یک لحظه نقشه پلیدشان را عملیاتی کردند. بنا بر اظهارات مال بخته ماجرا از این قرار است که وی صبح زود در یکی از محله های حاشیه شرق مشغول باز کردن قفل در خودرویش بود که ناگهان ۳ مرد غریبه او را نزدیک می شوند، شروع به سر و صدا می کنند، «دزد دزد» می گویند و از مردم درخواست کمک می کنند.

سارقان هم که از تعجب خشک شده بودند از ۳ فرد غریبه درخواست می کنند سر و صدا نکنند چون دچار سوءتفاهم شده اند و خودرو مال خودشان است. فرد حمله گر به صاحب خودرو می گویند که مال دگرش را نشان دهد تا مطمئن شوند سارق نیست. مال بخته وقتی می بیند مدارک داخل خودرو نیست از افراد غریبه می خواهد به او فرصت بدهند تا مدارک را از مغازه ای که آن طرف خیابان است، بیآورد. سارقان قبول می کنند که او ثابت کند، صاحب خودرو و قصد سرقت نداشته است. آن ها به محض دور شدن مرد غریب خورده سریع سوار خودرو می شوند. مال بخته بعد از این اتفاق تازه می فهمد چه کلاه می سرقاش گرفته است و در واقع آن ها سارق بودند.

## زندان های استان، خالی از زنان زندانی جرایم غیر عمد

**صدیقی** - زندان های استان از زنان زندانی جرایم غیر عمد خالی شد. به گفته یبیر عامل ستاد دیده خراسان شمالی، آخرین زن زندانی که با حبس کیفری به این استان فرستاده شد، در ۱۲۵ میلیون ریال به حبس به سر می برد، اما به کمک خیران آزاد شد. (استیجاری، اعلام کرد: از ابتدای اسفند تاکنون در مجموع ۹ زن زندانی آزاد شده است.)

غیر عمد با محکومیت مالی از زندان های استان آزاد شدند. وی گفت: اکنون هیچ زندانی زن ۱۸ سال در کانون اصلاح و تربیت مجتهد وجود ندارد و تلاش می کنیم با کمک خیران این روند ادامه یابد. (استیجاری، خاطرنشان کرد: البته زندانیان با محکومیت هایی از قبیل مواد و سرقت هنوز در زندان های استان حضور دارند که مربوط به ستاد دیده نمی شود.)

## کشف ۱۵ قطعه کبک از شکارچیان متواری

اطراف روستای ایزمان، از شکارچیان فراری لاشه

## کشف ۲۴۰۰ قلم داروی قاچاق

**صدیقی** - تعداد ۲ هزار و ۴۰۰ قلم داروی قاچاق در بجنورد کشف و ضبط شد. به گفته مدیر کل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، شخصی که قصد جابه جایی این تعداد داروی قاچاق را توسط یک باربری در بجنورد داشت، توسط پلیس آگاهی استان شناسایی شد. «سیدالموسوی» اعلام کرد: پس از ارجاع گزارش تخلف از سوی مراجع انتظامی به تعزیرات، پرونده ای در این باره تشکیل شد و به منظور صدور رای در حال رسیدگی است.

## ماجرای زنی که مادرش گربه هایش را بیشتر از او دوست داشت

# مسافران پاتوق‌ها

شوهرم به خاطر قاچاق مواد، قمار و دزدی زندانی شد و بعد از آن دست از پا درازتر با سرافکندگی به خانه پدرم برگشتم و با التماس و اجبار پدرم را راضی کردم سند بگذارد و شوهرم را از زندان بیرون بیاورد که همین طور هم شد. بعد از مدتی دخترم

به دنیا آمد. به خاطر تامین خرج زندگی فروشدگی می کردم که روزی سر یک اتفاق دوست قبلی را مر دیدم و چون از زندگی با شوهر دزد و زندانی ام خسته شده بودم از خانه فرار کردم اما این بار بلایی بدتر از قبل سرم آمد.

بین یک عده ادم خلافکار گیر کرده بودم و در یک خانه باغ اسیر شدم و جرئت اعتراض و حتی فرار نداشتم چون آن ها به شدت خشن و بی رحم بودند.

حدود ۲ ماه اسیر تعدادی مرد هوسران بودم. شوهرم به واسطه یکی از دوستان خلافکارش من را در آن خانه باغ پیدا کرد و چون اعتیاد شدید داشت و از طرفی حاضر به برگشت به زندان نبود و فراری بود، جرئت شکایت نداشت! وقتی به خانه برگشتم، شوهرم دستگیر شد.

بعد از آن در خانه عمویم زندگی کردم و چند بار با کمک خانواده راهی کمپ شدم اما بی فایده بود چون لغزش های زیادی داشتم. بعد از گذشت مدتی شوهر زن بخت برگشته از زندان آزاد می شود و زن جوان با کمک بهزیستی یک خانه برای خودش اجاره می کند.

زَن جوان بعد از چند ماه بچه اش را نزد خودش می برد تا در کنار شوهر خلافاً کُزارش زندگی ساده ای را شروع کند.

هنوز چند ماه از چشیدن طعم خوشبختی زیر یک سقف گذشته بود که دوباره به خاطر رفیق بازی و قمار شوهرش توسط صاحب خانه راند می شوند و بعد از آن شوهرش به خاطر سرعت سر از زندان در می آورد.

بعد از آن اتفاق زن جوان به ناچار دخترش را به یک مرکز دولتی می سپارد تا حداقل در آن جا آرامش داشته باشد. پس از اتمام کارهای زن جوان راهی یک باتوق می شود و با یکدیگر گری و سر کردن ضایعات هزینه مواد و زندگی اش را تامین می کند. این زن که شصی در یکی از باتوق ها دستگیر شدم و من را به کمک آوردند و اکنون بیبی از ۳ سال است که دختر را ندیده ام و دوست ندارم به خاطر وضعیت ام او را ببینم.

حرف هایش خام و او را راضی به دوستی با یک پسر زندانی می کند. او ادامه می دهد: شب وقتی من به اتفاق همکلاسی ام در خانه مجردی دایبی نوشیدم حاضر شدیم ورق برگشت و چهره واقعی صاحب خانه مشخص شد.

بعد از مصرف نوشیدنی های غیر مجاز از خود بیخود شدیم و دایبی اش با تهدید از او خواست من را فراموش کند چون می خواست با من در ارتباط باشد. آن شب من و همکلاسی ام توسط او مورد آزار و اذیت قرار گرفتیم و روز بعد با چشمپانی اشک آلود راهی خانه شدیم.

مدتی از این اتفاق گذشت تا این که روزی پسر زندانی بعد از خمی از زندان با من تماس گرفت و این بار به جای تهدید از درصحت و ندامت وارد شد و گفت ما از دواج می خواهیم بلایی را که سرم آورده جبران کند.

وقتی پدرم با پیشنهاد از دواج ما روبه رو شد، به شدت مخالفت کرد و من که تحت تاثیر حرف های پسر خلافتکار قرار گرفته بودم، جلوی پدرم ایستادم و گفتم که مرد اول و آخر همین پسر زندانی است.

دختر در تله افتاده وقتی می بیند پدرش را به ازادواج شان نیست، به همراه مرد رویاهایش از خانه فرار می کند و بر سرآغاز ماجراهای تلخ دیگری می برآید. پدر چندی مرتبه دخترش را به خانه بر می گرداند اما فایده ای نداشت و دختر که دلبسته حرف های سراب گونه پسر خلافکار شده بود، از سر لعبازی به صبیغه او در می آید. بعد از آن دختر می فهمد که رفتارهای شوهرش با گفته هایش تطابق ندارد و او قاشقچی صبیغه است.

سر این ماجرا دوباره لغزش می‌کند و لب به بی‌شده می‌زند که در دام اعتیاد به قرص‌های می‌شود. زن جوان لب به می‌شده می‌گوید: وقتی بعد از محضر و از خانه ای شدم که جز یک پوت و چند دانه طرف زهوار را در رفته و البته از استعمال دوا چیزی در آن جا ندادم، به عقق فاجعه می‌ی‌برد و منجر شد که راه سستی در پیش بردم، اما باز به خودم دلداری می‌دادم که شوخیست خواهم شد. مدام توهمین می‌شدیدم و توسط شوهر می‌کید و بندهم تحقیر می‌کردم تا این که صاحب خانه ما را به خاطر ندادن کرایه بیرون شد.

جایی برای سکونت نداشتیم و مدام مسافر پاتوق ها بودیم.

صدیقی

داستانش غم انگیز و عبرت آمیز است. بچه طلاق است و از ۷ سالگی تحت آزار روحی قرار گرفت تا ۲۵ سالگی که سر از کمپ درآورد. به گفته زن جوان، مادرش گربه هایش را بیشتر از او دوست داشت! آوارگی حاصل بیره ایه رفتن های زن جوان است که مسبب بحری و خانواده اش و برخی خودش بود. حال در کمپ، در فضای زندگی اش اروق می زند و آن را در گفت و گو با خبرنگار ما مرور می کند.

زندگی اش مثل پیست موتور سواری پستی و بلندی و پیچ های  
نمناک و زیاده داشت و آسمان زندگی اش غبار آلود بود. چپه طلاق  
داشت و به صورت دسته جمعی با خانواده پدرش در یک خانه  
قدیمی زندگی می کردند.

۷ از سالگی نزد پدر و زیر کتک های عمومی شیشه ای اش بزرگ شد و مثل شمع سوخت و دم نزد. مادرش با رفتار ناشایست و از سوی پدرش رانده شد و او را طلاق داد و بعد از آن زندگی جدیدی را برپا کرد. دختری بی پناه زیر سایه دندگی خانواده‌ای پدرش در وحشت و اضطراب به سر می برد و از مهر و محبت خبری نبود. ۱۴ سالگی پیش مادر بزرگش زندگی می کند و در این باب پسر همسایه شان دوست و مدتی با او همراه می می شود.

عمه اش به ماجرای پی می برد و بعد از آن دختر به راه کج رفته می شنود. زن جوان می گوید: مادرم برخی اوقات در راه مدرسه پنهانی از راه من می دید و البته می گفت هیچ علاقه ای به من ندارد و حتی گریه هایش را بیشتر از من دوست داشت چون غیر از خوشگذرانی چیزی برایش مهم نبود.

پدرم به خاطر همین موضوع او را طلاق داد. هر چند پدرم سختگیر بود و من را کمک می زد اما محبت اش از مادرم بیشتر بود. با این که دختر ۱۴ ساله با لغزش هایش از سوی خانواده تحت فشار بود اما دست از دوستی خیابانی با پسر همسایه بر نمی دارد و پنهانی این رابطه را ادامه می دهد تا این که روزی یکی پسر از زنان آزاد می شود و همراه با او سد را در دختر می شوند.

پس از درخواست پسر همسایه، دختر، دوست صمیمی اش را با

## آگهی تغییرات شرکت سالم سازه سپنتا

شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۲۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۰۲۱۲۶ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای احسان رنجبر به شماره ملی ۰۸۲۰۱۵۸۹۷۶ به سمت مدیرعامل و نائب رئیس هیئت مدیره و آقای یداله رنجبر به شماره ملی ۰۸۲۸۹۵۵۴۶۸ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای اسداله رنجبر به شماره ملی ۰۸۲۹۶۸۹۶۵۶ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب شدند. -کلیه اسناد و اوراق عادی و اداری و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادهای و عقوداسلامی با امضاء احسان رنجبر(مدیرعامل و نائب رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری شیروان

99-5955.

## آگهی تغییرات شرکت سامان یوز ارغیان مهر اندیش

شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۶ و شناسه ملی ۱۳۴۶۵/۰۷۰۱۴۰۰۷ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۴ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: - آقای هادی نقدی مقدم به شماره ملی ۰۷۵۹۹۳۰۳۵۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمد قاسمی تنها به شماره ملی ۰۷۵۹۹۰۸۷۰۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای مهدی قاسمی تنها به شماره ملی ۰۷۵۹۹۰۳۷۸۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب شدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادهای و عقود اسلامی با امضاء آقای هادی نقدی مقدم (رئیس هیئت مدیره) و محمد قاسمی تنها (مدیرعامل و عضو هیئت مدیره) و مهر شرکت معتبر میباشد و اوراق عادی و نامه های اداری با امضای آقای هادی نقدی مقدم (رئیس هیئت مدیره) و محمد قاسمی تنها (مدیرعامل و عضو هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری جاجرم

99-59533

## آگهی تغییرات شرکت مصرف فرهنگیان اسفراین

شرکت تعاونی به شماره ثبت ۶۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۸۸۹۹۹ به استناد صورتحساب مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - صورتهای مالی سال ۱۳۹۷ شرکت شامل سود و زیان، عملکرد و تقسیم سود و ترازنامه مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ تصویب شد. - فریبرز شیخ امیر لو به شماره ملی ۰۶۳۸۲۲۹۷۴۱ و قدرت اله دادخواه به شماره ملی ۰۶۳۸۷۴۵۳۰۶ و محمدرضا چروی به شماره ملی ۰۶۳۸۲۲۴۴۲۱ به سمت بازرسین اصلی و عباس علیزاده به شماره ملی ۰۶۳۸۶۳۲۱۶۱ و یارمحمد علیخانی به شماره ملی ۰۶۳۸۸۰۹۰۲۹ و موسی الرضا یحیی آبادی به شماره ملی ۰۶۳۸۵۴۲۹۸۷ به سمت بازرسین علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری اسفراين

99-59532



ماسک، از ما و اطرافیانمان  
بر ویروس کرونا محافظت می کند

